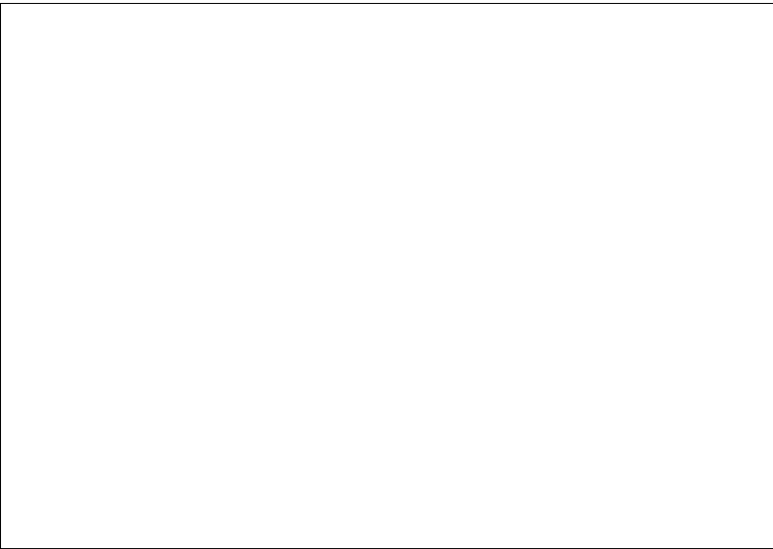


رئیس مؤسسه آموزش عالی امام رضا (ع) گفتگوی اختصاصی با سپهر غرب مطرح کرد:

انقلاب پایان کار نیست بلکه آغاز ساختن ساختارهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است

روحیه نقادی، حرکت، نوخواهی و ضد محافظه‌کاری جوانان مبنای حرکت و تحول‌خواهی است ■ توجه به گذشته تاریخی و نگاه به آینده روشن از محورهای مهم بیانیه گام دوم



یکی از چالش‌هایی‌که از اول انقلاب با آن

مواجه بودیم موضوع اقتصاد بوده و این مورد یکی از موضوعات تمدنی است و باید بتوانیم به یک نقطه مطلوب در این حوزه برسیم. دوره تحریم می‌توانست نقطه‌ای باشد برای اینکه ما تکلیف خود را در این حوزه با اقتصاد نوین جهانی روشن کنیم.

الآن که در جنگ اقتصادی قرار داریم نمی‌شود در ارتباط با جوانب آن نظر داد شاید بعد از مدتی باید کارنامه جنگ دوره اقتصادی را هم مشاهده کنیم که قدر به مقاومت‌سازی بنیان اقتصاد پرداخته‌ایم، اگر چه

نظریاتی در رابطه با خروج از این بحران وجود دارد اما از نظر روانی و انسان‌شناسی چیزی که انسان را از پسای درمی‌آورد ناامیدی است، چیزی که در مبنای ما به آن تأکید و توجه شده این است که یأس از عوامل شیطان است برای اینکه انسان‌ها را از راه به در کند و با این عنصر موفقیت بزرگی برای جنود چهل پرده فراهم آورد.

تجربه ثابت کرده که انسان در اوج مشکلات و غم و درد تا جایی که تحمل و توان ندارد کورسوی امید او را مقاوم نگه‌داشته و به پیروزی رسانده. در تاریخ انقلاب هم بدتر از این شرایط موجود بود. در دوره جنگ تحمیلی کل جهان علیه ما مسلط شدند اما ملت ما امیدشان را از دست ندادند و در ظاهر بدون اسلحه و با فتوای یک مرجع تقلید قیام کردند که شاید با محاسبات و معادلات مادی کار عقلایی نبوده اما نتیجه‌اش را در تاریخ انقلاب دیده‌ایم.

بنابراین انسان نباید در اوج گرفتاری امید خود را از دست بدهد جامعه ناامید شکننده است. گاهی ناامیدی باوجود امکانات باعث می‌شود انسان امید خود را از دست بدهد، گاهی هم امید، باوجوداینکه

انقلاب آغاز ساختن نظام‌های جدید است؛ به عبارت بهتر انقلاب پایان نیست و علت اینکه انتظارات خیلی از افراد از انقلاب برآورده نشده این است که انقلاب را پایان حساب کرده‌اند درحالی‌که خود انقلاب آغاز ساختن نظام‌ها و ساختارهای سیاسی، اجتماعی و

اقتصادی است.

بر این اساس اگر بخواهیم کلیت این مسئله را به لحاظ فکری در نظر بگیریم مبنای این بیانیه به نوعی تبیین گام اول است که مقام معظم رهبری ۴۰ سال اول را به‌عنوان گام اول بیان کرده و یک وضع‌شناسی از گذشته ارائه داده‌اند؛ دوره انقلاب، دوره مبارزه، جنگ تحمیلی، پیشرفت و سازندگی و چالش‌هایی که انقلاب با نظم نوین جهانی مواجه شد در گام اول بوده‌اند، بنابراین در این بیانیه دو محور موردتوجه است؛ نخست گذشته تاریخی و سپس نگاه به آینده. در این بزنگاه‌ها عرصه‌های خاصی نیز تعریف می‌شود؛ عرصه علم، عدالت، معنویت، نظام مردم‌سالاری و توجه خاص به جوانان و نقشی‌که می‌توانند در گام دوم انقلاب اسلامی داشته باشند همان‌طور که در گام اول ایفای نقش کردند.

سؤالی ناظر به شرایط اجتماعی صدور این بیانیه برای برخی افراد و حتی بعضی عناصر مؤمن مطرح است. با توجه به اینکه این بیانیه در برهه‌ای صادر شد که از جنبه‌های مختلف مشکلاتی وجود داشت؛ فشارهای اقتصادی زیاد بوده و مردم بعضی گلایه‌ها داشته و دارند، در چنین شرایطی صحبت از این‌که گام دوم انقلاب است و باید تمدن نوین اسلامی را شکل دهیم و... محل سؤال بوده و است چرا رهبر انقلاب در چنین شرایطی بیانیه‌ای با این محتوا و ادبیات صادر کرده‌اند؟

اتفاقاً نقطه قوت صدور این بیانیه، شرایط حاکم بر کشور بوده بدون شک ما در فرآیند حرکت مشکلاتی خواهیم داشت، اصل اینکه مشکلاتی داریم نشان می‌دهد که در حال حرکت هستیم و اگر موجودات ساکن، منفعل و تأثیرپذیری بودیم بودیم مشکلی هم نداشتیم، ما برای این‌که به نقطه مطلوب برسیم باید حرکت کنیم، مبارزه کنیم و موانع را از سر راه برداریم، بسیاری از ما می‌دانیم‌که از اوایل انقلاب بحران‌های متفاوتی سر راه ما وجود داشته اما پس از عبور از هر بحرانی تجربه‌های جدیدی متولدشده؛ به‌طور مثال در جنگ تحمیلی با همه سختی‌ها و چالش‌هایی که داشت برای ما استقلال نظامی ایجاد شد. در دهه ۷۰ و با جنگ فرهنگی‌که به چالش ما بود، فعالیت‌هایی که در حوزه فیلم، سینما، کتاب و... صورت گرفت اجازه عرض‌اندام به جریان انقلاب داد. در دهه ۸۰ به‌ویژه اواخر دهه ۸۰ جنگ در حوزه امیدها بود که در چالش با آن‌هم ساختارهای جدیدی ایجادشده، ساختار امنیت به نوعی ثبات گرفت و برخی از خلأها از بین رفت.

سپهرغرب، گروه اندیشه – سمیرا گمار: رئیس مؤسسه آموزش عالی امام رضا (ع) گفت: انقلاب پایان کار نیست بلکه آغاز ساختن نظام‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است.

دو سال از صدور بیانیه گام دوم انقلاب می‌گذرد؛ شاید مهم‌ترین وظیفه ولی‌فقیه چه در قانون اساسی و چه در بحث ولایت و امامت نشان دادن راه و افق برای آینده است؛ اینکه رهبری وظیفه دارند نقاط قوت مسیر طی شده را برجسته کرده و هرجا از مسیر اصلی انحرافی صورت گرفته، تذکر داده و سوگیری‌های اصلی را نشان دهند.

آن‌طور که از فرازهای بیانیه گام دوم انقلاب برمی‌آید راهی که نسل گذشته تا به کنون طی کرده فقط قطعه‌ای از مسیر افتخارآمیز به‌سوی آرمان‌های بلند نظام جمهوری اسلامی است و دنباله این مسیر که به‌دشواری گذشته نیست باید با همت، هوشیاری، سرعت عمل و ابتکار جوانان طی شود.

به دیگر بیان بیانیه گام دوم انقلاب تجدید مطلبی است خطاب به ملت ایران به‌ویژه جوانان که به‌منابه منشوری برای دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی، نسل جدید زندگی جمهوری اسلامی ایران را رقم بزنند؛ مدیران، اندیشمندان و فعالان جوان در تمامی عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و نیز عرصه‌های دین، اخلاق، معنویت و عدالت‌شانه‌های خود را زیر بار مسئولیت برده، از تجربه‌ها و عبرت‌های گذشته بهره گیرند و سرلوحه خود را نگاه و روحیه انقلابی و عمل جهادی قرار دهند و ایران بزرگ را الگوی کامل نظام پیشرفته اسلامی بسازند.

با ذکر این مقدمه آنچه در ادامه می‌خوانید نکاهی به بیانیه گام دوم انقلاب و تبیین آن است که در گفتگوی خبرنگار سپهرغرب با حجت‌الاسلام دکتر حیدر همتی رئیس مؤسسه آموزش عالی امام رضا (ع) می‌آید:

برای شروع بحث، خواهش می‌کنم جنابعالی تبیینی مبنایی و کلان از کلیت صدور بیانیه گام دوم انقلاب داشته باشید.

دعوتی به‌صورت مبنایی در این بیانیه وجود دارد؛ یکی «گام» و دیگری «انقلاب»؛ در اندیشه دینی، انقلاب حرکتی تدریجی، مستمر، در حال شدن، وجودی و به‌سوی تکامل است؛ لذا قطعاً یک حرکت گام‌به‌گام بوده و هر حرکتی که به سمت یک هدف در حرکت است. این مسئله مبنای اندیشه‌ای کلان انقلاب را تشکیل می‌دهد و بی‌شک دارای نقطه آغاز، میانی و رسیدن به هدف است.

نقطه آغازین آن انقلاب است که خود انقلاب هم به‌نوعی حرکت‌های پشتیبیان دارد یعنی دوره مبارزات، دوره نهضت و طاغوت‌ستیزی که خود

روشناسی الگوپذیری جوانان از عالمان

سپهرغرب، گروه اندیشه: در بین عوامل مؤثر در انتقال ارزش‌ها و تربیت انسان‌ها به‌ویژه نسل جوان، الگو از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. چنانچه در معرفی الگو، انحرافی صورت پذیرد و یا زوایای مختلف الگوپذیری با نگاهی موشکافانه و دقیق موردبررسی واقع نشود، این عامل سازنده شخصیت در جهت کمال، خود می‌تواند به عاملی مخرب تبدیل شود.

در بین عوامل مؤثر در انتقال ارزش‌ها و تربیت انسان‌ها به‌ویژه نسل جوان، الگو از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. چنانچه در معرفی الگو، انحرافی صورت پذیرد و یا زوایای مختلف الگوپذیری با نگاهی موشکافانه و دقیق موردبررسی واقع نشود، این عامل سازنده شخصیت در جهت کمال، خود می‌تواند به عاملی مخرب تبدیل شود.

در تمامی اعصار تاریخی به‌ویژه تاریخ اسلام، الگوهای دینی نقش اساسی در تعلیم و تربیت و شکل‌گیری شخصیت انسان‌ها و حتی اقوام داشته‌اند. در دوران معاصر به علت حاکمیت نظام اسلامی در ایران و دامیه رهبری جهانی از سوی آن، نقش عالمان دینی به‌عنوان الگوهای مجسم بسیار حساس‌تر از دوره‌های پیشین است. جایگاه ویژه علم و عالمان دینی در آموزش‌های اسلامی و لزوم بهره‌مندی از فضایل معرفتی و معنوی آنان اهمیت این موضوع را مضاعف کرده است.

الگوسازی عالمان وارسته و اندیشمندان عارف‌شناس مسلمان برای نسل جوان امروز مستلزم روش‌شناسی مؤلفه‌های گوناگونی است که موجودیت آن مؤلفه‌ها و شکل‌گیری آن‌ها، بنیان مرسوم‌وی فراهم می‌سازد که الگو شدن عالمان و الگوپذیری از سوی جوانان، به فرهنگ و امری ماندگار در جامعه تبدیل می‌گردد. در بخش نخست این مطلب به مهم‌ترین مؤلفه‌های مؤثر در روش‌شناسی مرتبط با الگو و الگوپذیری اشاره می‌شود. در بخش دوم و نهایتاً به مؤلفه‌های مرتبط با الگوپذیران اشاره خواهد شد.

۱. الگوپذیری

این نکته که عالمان می‌بایست به آنچه می‌گویند و می‌نمایند باور قلبی داشته باشند، حقیقتی انکارناپذیر است؛ چراکه امور دروغین و خلاف واقع دیر یا زود یا بر ملا می‌شوند و با تأثیر خود را از دست می‌دهند. امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) می‌فرماید: «ما أَضْمَرَ حَیْثُ شِئْنَا اَلْأَظْهَرُ فِی فَلَاتَاتِ لِسَانِهِ وَصَفَحَاتِ وَجْهِهِ؛ آدمی هیچ چیز را پنهان نمی‌کند مگر اینکه در لغزش‌های زبان و رنگ و رخساره او نمایان می‌شود.»[۱] بر این اساس آنجا که امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) سخن از تأسی به پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به میان آورد، دلیل آن را باور قلبی حضرت می‌داند: «فَافْعُرْ عِینَ الدُّنْیَا بَقِلبِهِ وَامَاتْ ذَکْرَهُا مِنْ نَفْسِهِ» پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) با قلب خود از دنیا روی گردانید و یادش را از جان خود ریشه‌کن کرد. این اعراض از زبان و گفتار صرف نبود. حضرت زبان به دم دنیا و دل به مدح آن نداشت، بلکه با تمام وجود دم دنیا را باور کرده بود.

هر حرکتی نقطه آغاز و مسافتی دارد و رسیدن به نقطه مطلوب و نهایی، در هر یک نیز مراحلی برای رسیدن به اهداف در نظر گرفته شده که هر یک قابلیت تبدیل‌شدن به گام و قدم دارد؛ پس بر اساس حرکت همه این‌ها قابل تفسیر و تبیین است؛ پنج مرحله شامل انقلاب، حکومت، دولت، جامعه و تمدن نوین اسلامی است؛ انقلاب ذات و جوهر وجودی است که در همه مراحل وجود دارد.

سؤال دیگر ما ناظر به مأموریتی است که رهبر انقلاب اسلامی برای جوانان در گام دوم انقلاب تعریف کرده‌اند. پرسش‌های مهمی همچون معنویت و اخلاق، علم و اقتصاد و... از طرفی قبلاً هم بحث «اتش به اختیار» را ایشان مطرح کرده بودند. نگاه شما به مقوله نقش‌آفرینی و مسئولیت‌پذیری جوانان در گام دوم و چرایی خطاب قرار دادن جوانان در بیانیه گام دوم چیست؟ چه توصیه‌هایی به نسل جوان انقلابی برای انجام صحیح این وظایف دارید؟

در انقلاب به مسئله موردتوجه است یکی نفی گذشته و دیگری استقرار ساختار جدید؛ همان‌طور که در پاسخ به سؤالات ابتدایی هم عرض کردم جوانان می‌توانند در گام دوم انقلاب اسلامی ایفای نقش داشته باشند همان‌طور که در گام اول نقش داشتند؛ نگاه به جوانان به‌دلیل روحیات جوانی است، روحیه

نقادی، حرکت، نوخواهی و ضد محافظه‌کاری. وقتی انسان‌ها در ساختارها قرار می‌گیرند با محافظه‌کاری و منفعت و مصلحت‌گره می‌خورند و قدرت نوآوری خود را از دست می‌دهند بنابراین منظور از جوان کسی است که قدرت حرکت و شکست ساختارها را دارد. مفهوم نقش‌آفرینی هم این است که ذات انقلاب با محافظه‌کاری مقابله می‌کند و استقرار سامانه جدید برای نفی وضع موجود و سامان دادن وضع جدید است؛ این وضع نوخواهی و تن ندادن به وضع موجود یکی از ویژگی‌های بارزی است که در جوان وجود دارد که البته مستلزم عقلانیت است و مسلماً اگر با عقلانیت همراه نباشد وجه تخریبی آن بیشتر خواهد بود.

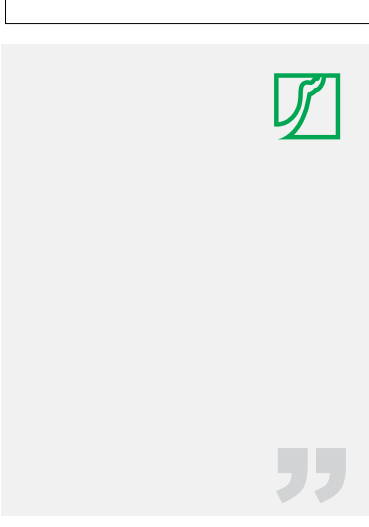
رهبر انقلاب اسلامی در یک فراز از بیانیه اشاره می‌کنند که «انقلاب همواره آماده تصحیح خطاهای خویش است.» بعضی‌ها این تکه از بیانیه را به شکل خاصی تفسیر داده و بازنمایی کرده‌اند. بر اساس منظومه اعتقادی و ارزشی انقلاب، معنای گزاره «انقلاب آماده تصحیح خطاهای خویش است» چیست؟ و سازوکار و روش درست این اصلاح چیست؟

حرکت‌های سیاسی و اجتماعی حرکت‌هایی هستند که به نوعی افراد مختلفی در آن نقش دارند، وقتی انقلاب اسلامی اتفاق افتاد جریان‌های مختلفی با اهداف گوناگون در این مسیر حضور داشتند و البته اینکه حرف مردم همسو با کدام جریان بود به‌مرور

بر این اساس اگر بخواهیم کلیت این مسئله را به لحاظ فکری در نظر بگیریم مبنای این بیانیه به نوعی تبیین گام اول است که مقام معظم رهبری ۴۰ سال اول را به‌عنوان گام اول بیان کرده و یک وضع‌شناسی از گذشته ارائه داده‌اند؛ دوره انقلاب، دوره مبارزه، جنگ تحمیلی، پیشرفت و سازندگی و چالش‌هایی که انقلاب با نظم نوین جهانی مواجه شد در گام اول بوده‌اند، بنابراین در این بیانیه دو محور موردتوجه است؛ نخست گذشته تاریخی و سپس نگاه به آینده. در این بزنگاه‌ها عرصه‌های خاصی نیز تعریف می‌شود؛ عرصه علم، عدالت، معنویت، نظام مردم‌سالاری و توجه خاص به جوانان و نقشی‌که می‌توانند در گام دوم انقلاب اسلامی داشته باشند همان‌طور که در گام اول ایفای نقش کردند.

سؤالی ناظر به شرایط اجتماعی صدور این بیانیه برای برخی افراد و حتی بعضی عناصر مؤمن مطرح است. با توجه به اینکه این بیانیه در برهه‌ای صادر شد که از جنبه‌های مختلف مشکلاتی وجود داشت؛ فشارهای اقتصادی زیاد بوده و مردم بعضی گلایه‌ها داشته و دارند، در چنین شرایطی صحبت از این‌که گام دوم انقلاب است و باید تمدن نوین اسلامی را شکل دهیم و... محل سؤال بوده و است چرا رهبر انقلاب در چنین شرایطی بیانیه‌ای با این محتوا و ادبیات صادر کرده‌اند؟

اتفاقاً نقطه قوت صدور این بیانیه، شرایط حاکم بر کشور بوده بدون شک ما در فرآیند حرکت مشکلاتی خواهیم داشت، اصل اینکه مشکلاتی داریم نشان می‌دهد که در حال حرکت هستیم و اگر موجودات ساکن، منفعل و تأثیرپذیری بودیم بودیم مشکلی هم نداشتیم، ما برای این‌که به نقطه مطلوب برسیم باید حرکت کنیم، مبارزه کنیم و موانع را از سر راه برداریم، بسیاری از ما می‌دانیم‌که از اوایل انقلاب بحران‌های متفاوتی سر راه ما وجود داشته اما پس از عبور از هر بحرانی تجربه‌های جدیدی متولدشده؛ به‌طور مثال در جنگ تحمیلی با همه سختی‌ها و چالش‌هایی که داشت برای ما استقلال نظامی ایجاد شد. در دهه ۷۰ و با جنگ فرهنگی‌که به چالش ما بود، فعالیت‌هایی که در حوزه فیلم، سینما، کتاب و... صورت گرفت اجازه عرض‌اندام به جریان انقلاب داد.



تجربه ثابت کرده که انسان در اوج مشکلات و غم و درد تا جایی که تحمل و توان ندارد کورسوی امید او را مقاوم نگه‌داشته و به پیروزی رسانده. در تاریخ انقلاب هم بدتر از این شرایط موجود بود. در دوره جنگ تحمیلی کل جهان علیه ما مسلط شدند اما ملت ما امیدشان را از دست ندادند و در ظاهر بدون اسلحه و با فتوای یک مرجع تقلید قیام کردند که شاید با محاسبات و معادلات مادی کار عقلایی نبوده اما نتیجه‌اش را در تاریخ انقلاب دیده‌ایم.

بنابراین انسان نباید در اوج گرفتاری امید خود را از دست بدهد جامعه ناامید شکننده است. گاهی ناامیدی باوجود امکانات باعث می‌شود انسان امید خود را از دست بدهد، گاهی هم امید، باوجوداینکه

روشناسی الگوپذیری جوانان از عالمان

یکی از رموز تأثیرگذاری امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) بر جوانان و اقبال و علاقه قلبی آنان به وی، باور قلبی امام به سخنانش بود. قلب آدمی سرمنشأ تمامی رفتارها، گفتارها، خصلت‌ها و اوصاف اوست. قلب همچون چشمه جوشانی است که سرزمین وجود آدمی توسط آن آبیاری می‌شود.

اگر از این چشمه آبی گوارا و مصفا خارج نشود، تمام وجود آدمی را سرسبز و کام‌عطشان او و همه تشنگان را سیراب می‌کند و چنانچه از آن آبی گل‌آلود و متعفن بیرون آید، جز لایه‌ای سخت و خشن بر جای نمی‌نهد که حاصلش قطعات خشک و پرنده‌ای است که بر جان وی و دیگر آدمیان زخمه می‌زند.

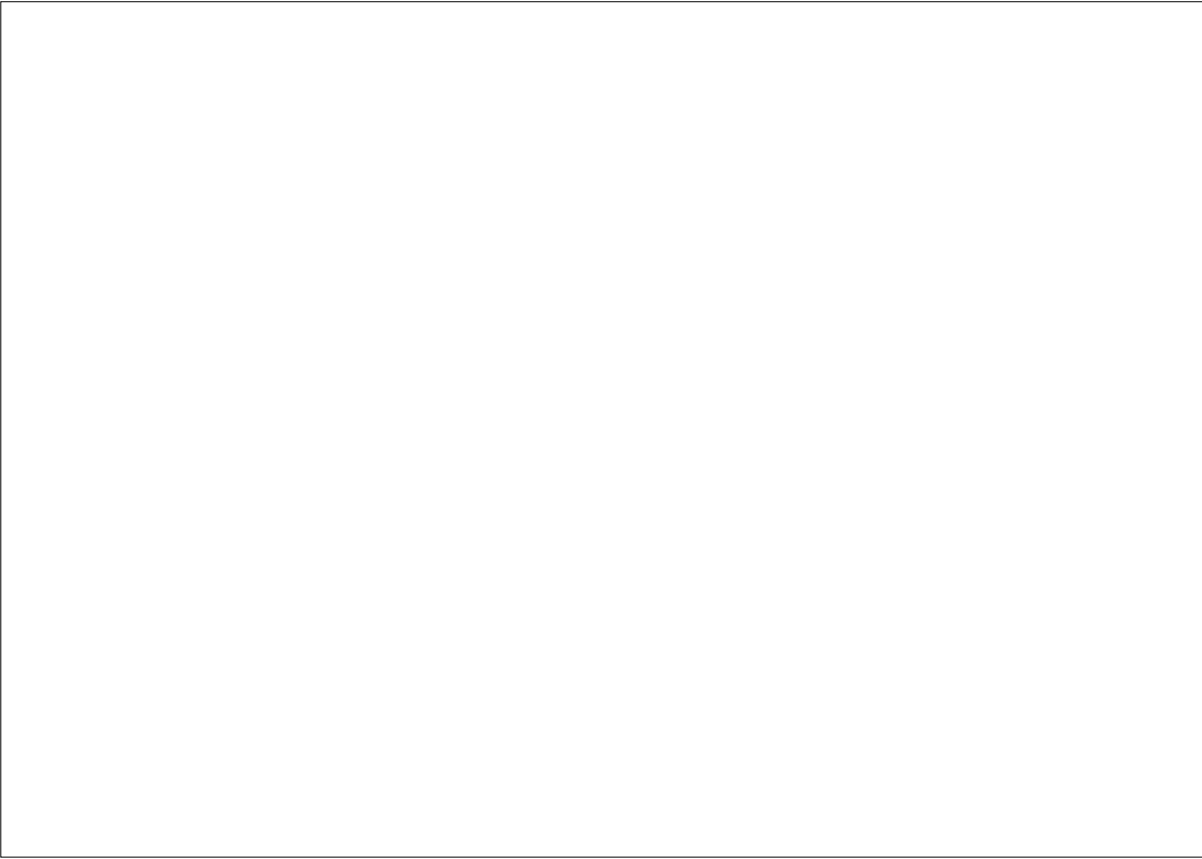
۲. عمل‌گرایی

یکی از بهترین نشانه‌های باورمندی، عمل آدمی است. چنانچه بیان شد باورها ریشه و بنیان اعمال آدمی‌اند. باوری که ثمره عمل در بی نداشته‌باشد، باور نیست. اگر عالمان به آنچه از باورشان به زبان جاری می‌کنند لباس عمل نبوشانند دیر یا زود نوع مردمان حقیقت‌طلب از اطراف آنان پراکنده می‌شوند. مردم می‌بایست ادعای عالمان را در عمل ببینند تا اقبال قلبی به آنان نشان دهند. نیم‌جو کردار به از صد من گفتار است.

ازاین‌رو حضرت پس‌ازاینکه فرمودند: «ولقد کان فی رسول‌الله (صلی‌الله علیه وآله) کافٍ لک فی الآسوه ...» برای تو کافی است که راه و رسم پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را اطاعت‌نمایی ...» فرمود: «چراکه پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) از پستان دنیا شیر نخورد و از زبورهای آن فاصله گرفت.» در ادامه درباره راه و رسم زندگی رسول خدا(صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌فرماید: «والمقتضی لِأَثَرِهِ قُضِمَ الدُّنْیَا قُضْماً ...» پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) از دنیا چندان نخورد که دهان را پر کند و به دنیا با گوشه چشم نگریست، دوبهلوش از تمام مردم فرو رفته‌تر و شکم‌تر از همه خالی‌تر بود. دنیا را به او نشان دادند اما نپذیرفت.

کار برای عالمانی که قرار بر اسءوه بودن آن‌هاست در اینجا بسیار سخت می‌شود. چه‌بسا برای برخی عالمان برخورداری از دنیا از راه حلال نیز میسر است، اما چون آنان الگوی جامعه و در معرض دید و قضاوت هستند، نه‌تنها مستحب این است که آنان از حلال دنیا نیز به متوسط آن اکتفا کنند، بلکه در مواقع و شرایطی این امر به وجوب می‌رسد و ترک آن چه‌بسا فعلی حرام باشد. حضرت علی (علیه‌السلام) در خطاب به جابرین عبدالله انصاری فرمود: «ای جابر! استواری دین و دنیا به چهار امر محقق می‌شود: عالم مستعمل علمه، اول به عالمی است که به علم خود عمل کند. بعد فرمود: پس هرگاه عالم علم خود را تبه کند نادان به اوختن روی نیابد.»[۲]

تجربه به همه ما نشان داده است که تأثیرگذاری عمل بسیار بیش از سخن بوده است. عامل بودن عالمان به عمل خود، موجب اقبال جوانان به آنان و الگوپذیری از آنان است. تأثیر وجود انبیا و اولیای الهی که امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در این خطبه



بفرست تا یاور من باشد و مرا تصدیق کند.»[۹] همچنین حضرت موسی (علیه‌السلام) از خداوند درخواست می‌کند تا زبان وی را گویا کند: «وَأُحْلِلْ لِّی لِسَانِی لَعَلَّی یَقْبَلُوا قَوْلِی؛ گره از زبانش بگشای تا سخنان مرا بفهمند.»[۱۰] به این نکته باید توجه داشت که تأثیر زبان‌شناسی قوم و طرح مفاهیم قابل فهم و ساده (که درعین‌حال با استحکام و استواری سخن منافاتی ندارد) در اثرگذاری و جذب انسان‌ها بدان حد است که حضرت رسول (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمود: «نحن معاشر الانبیاء امرنا أن نكلم الناس علی قدر عقولهم»[۱۱] ما گروه پیامبران مأموریم تا با مردم خود به میزان عقل آن‌ها سخن بگوییم. هم سخن زیبا باید گفت و هم زیبا سخن، هم خوب حرف باید زد و هم حرف خوب باید گفت.

پی‌نوشت‌ها
[۱]. نهج‌البلاغه، حکمت ۲۶
[۲]. همان، ص ۱۵۲
[۳]. علامه جعفری، محمدتقی، ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه، جلد ۲۶، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ هشتم، ۱۳۸۶، ص ۱۵۲
[۴]. نهج‌البلاغه، حکمت ۳۷۲
[۵]. عیون اخبار الرضا(علیه‌السلام)، ج ۱، ص ۷۴، ح ۳۲۱
[۶]. سوره آل‌عمران، آیه ۱۵۹
[۷]. سوره روم، آیه ۳۰
[۸]. سوره قصص، آیه ۳۴
[۹]. سوره طه، آیه‌های ۲۷ و ۲۸
[۱۱]. تحف‌العقول، ص ۳۶

علی فلاح‌رفیع